



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

مصادف با: ۲۴ رجب ۱۴۴۵

جلسه: ۷۸

موضوع کلی: امارات و ظنون

موضوع جزئی: ۱. ظواهر - جهات چهارگانه در حجیت ظواهر - اقوال

سال پانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

جهات چهارگانه در حجیت ظواهر

بحث در حجیت ظواهر بود. عرض کردیم این بحث از مسائل علم اصول شمرده می شود و قبل از هر چیز اقوال مختلفی که در باب حجیت ظواهر وجود دارد را باید نقل و سپس مورد بررسی قرار دهیم.

اقوال در حجیت ظواهر

این اقوال ناشی از یک جهاتی است. چهار جهت اینجا باعث شده است اقوال چهارگانه پدید بیاید:

جهت اول: آیا حجیت ظاهر مشروط به ظن شخصی به وفاق است یا خیر؟ آیا ظن شخصی به وفاق در حجیت ظاهر دخالت دارد یا ندارد؟ مقصود از این جهت این است که اگر مثلاً ظاهر یک کلامی برای شخص، ظن به وفاق ظاهر آن کلام ایجاد کرد حجت است.

جهت دوم: اگر ظن به وفاق هم معتبر نباشد حداقل عدم ظن به خلاف معتبر است یا خیر؟ یعنی همین مقدار که یک کلامی را می بینیم اگر ظن به خلاف ظاهر آن پیدا نکنیم برای ما حجت است. مثلاً فرض کنید اگر صیغه امر که ظهور در وجوب دارد کسی به دلائل و قرائن و شواهدی ظن به خلاف پیدا کرد و برای او معلوم شد ظهور در وجوب ندارد، اینجا ظاهر صیغه امر دیگر اعتبار ندارد.

جهت سوم: آیا بین مقصودین به افهام و غیر مقصودین به افهام فرق است یا نه؟ زیرا کسی که سخنی را می گوید حتماً مقصودش فهماندن مراد خود به مخاطب است. اما خارج از دایره مقصودین به افهام دیگران نیز هستند که این کلام را می شنوند. آیا اعتبار و حجیت ظاهر مخصوص به کسانی است که قصد افهام آنها شده است یا نه اختصاص به مقصودین به افهام ندارد.

جهت چهارم: در خصوص قرآن، آیا ظاهر آن برای ما حجیت دارد یا ندارد؟ یعنی در حجیت بین ظاهر قرآن و غیر ظاهر قرآن فرق است یا خیر؟ قرآن به اعتبار اینکه کلام خداوند است بالاخره با کلام انسان های معمولی فرق دارد اما آیا بین ظاهر کلام خدا و ظاهر کلام مخلوق از این جهت فرق است یا فرق نیست؟

اقوال

این جهات چهارگانه یا پرسش های چهارگانه موجب شده چهار قول در این مسئله پدید بیاید:

قول اول: حجیت ظواهر مطلقاً

طبق نظر مشهور در همه آن جهات چهارگانه هیچ فرقی بین صور مختلف نیست، به این معنا که ظواهر حجت هستند هم برای شخصی که ظن به وفاق دارد و هم کسی که ظن به وفاق ندارد، حجت است برای شخصی که ظن به عدم خلاف دارد یا ندارد. حجت

است برای مقصودین به افهام و غیر مقصودین به افهام و حجت است ظواهر قرآن و غیر قرآن. پس قول اول که قول مشهور است قول به حجیت ظواهر است مطلقا.

قول دوم: اشتراط حجیت ظواهر به ظن شخصی به وفاق

بر اساس این قول ظواهر به شرطی حجیت دارند که ظن شخصی به وفاق ایجاد کند. اگر یک کلامی ظن شخصی به وفاق ایجاد نکرد معتبر نیست. البته ادله‌ای هم دارند. ما فعلا فهرست وار این اقوال را نقل می‌کنیم تا بعد انشاء الله بررسی کنیم. آنها که معتقدند مطلقا حجت است، دلیلشان این است که ملاک در حجیت ظواهر ظن نوعی است، ظن نوعی یعنی برای نوع مردم ظهور در این معنا داشته باشد و چون ملاک ظن نوعی است فرقی ندارد که برای شخص ظن به آن ظاهر پیدا شود یا نشود. لذا حتی اگر کسی ظن شخصی به آن ظاهر پیدا نکند برای او نیز حجت است ولی این گروه می‌گویند ملاک ظن نوعی نیست بلکه ملاک ظن شخصی است. یعنی ظواهر برای کسانی فقط حجیت دارد که ظن شخصی به مراد متکلم از این ظاهر پیدا کنند.

قول سوم: اشتراط حجیت ظواهر به عدم ظن شخصی به خلاف

این گروه تفصیل می‌دهند بین ظن به خلاف و عدم ظن به خلاف. می‌گویند اگر جایی از یک ظاهری ما ظن به خلاف پیدا نکردیم حجت است هر چند ظن به وفاق هم پیدا نکردیم. اما اگر ظن به خلاف پیدا شد این دیگر معتبر نیست. بین این دو فرق است. ظن به وفاق یعنی من ظن پیدا کنم به اینکه متکلم همین ظاهر را اراده کرده است. طبیعتا این یک مرحله بالاتر است تا آنجایی که من بگویم ظن به خلاف پیدا نکردم. ظن به خلاف یعنی این که من این کلام را که می‌شنوم دقیقا بر خلاف ظاهر از این کلام بفهمم و بگویم متکلم خلاف این ظاهر را اراده کرده است. اگر ظن به خلاف پیدا کردم این ظاهر برای من حجت نیست. حداقل باید ظن به خلاف برای من پیدا نشود هر چند ظن به وفاق نیز حاصل نشود. مثلا اگر فرض کنید متکلم گفت «اکرم العلماء» ظاهر این کلام این است که همه دانشمندان مقصود است، اما من به قرائنی ظن پیدا کردم که منظور گوینده اکرام همه دانشمندان نیست، بلکه مقصود اکرام دانشمندان عادل است. طبق این قول این ظاهر حجت نیست. زیرا ظن به خلاف پیدا شده. ظاهر عام است و ظن به خاص تعلق پیدا کرده است.

سوال:

استاد: یعنی ظن به اینکه همه دانشمندان مراد هستند. در همین مثالی که بیان شده ممکن است کسی بگوید من ظن به اینکه همه مراد هستند نیز پیدا نکردم. یعنی ممکن است کسی نه ظن به وفاق پیدا کند و نه ظن به خلاف، اینجا اجمال نیز نیست، نه ظن به این پیدا می‌کند که همه دانشمندان اراده شده است و نه ظن به این پیدا می‌کند که فقط دانشمندان عادل اراده شده است.

سوال:

استاد: ممکن است هم عدم ظن به وفاق باشد و هم عدم ظن به خلاف، هر دو اینجا تصویر شود.

قول چهارم: اختصاص حجیت ظواهر به مقصودین به افهام

ظواهر الفاظ فقط برای مقصودین به افهام حجت است ولی برای غیر مقصودین به افهام حجت نیست.

محقق خراسانی این چهار قول را نقل می‌کند و ادله سه قول را مورد مناقشه قرار می‌دهد. چرا تفصیل میرزای قمی درست نیست؟ چرا تفصیل بین ظن به عدم خلاف یا غیر آن معتبر نیست؟ چرا تفصیل به ظن به وفاق و عدم آن مقبول نیست؟ و چرا قول به حجیت مطلقا صحیح است؟ این را در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

پیرامون دهه فجر و انتخابات

این ایام مصادف با دهه فجر انقلاب اسلامی است. به طور قطع و یقین ایام پیروزی انقلاب اسلامی از ایام الله است. با توجه به اینکه در سال ۵۷ اتفاقات بزرگی افتاد و هم اسلام و هم مردم و هم کشور از مخاطراتی حفظ شدند نمیتوان این ایام را از ایام الله ندانست. من فعلا آن اتفاقی که در سال ۵۷ رخ داد را مورد ارزیابی قرار می‌دهم و اینکه هیچ عاملی نمی‌تواند وصف یوم الله را از آن روز سلب کند. یعنی حتی آنها که به ظاهر متدین هستند و با انقلاب مخالف یا میانه‌ای ندارند به هیچ بهانه و دلیلی نمی‌توانند بگویند آن روز یوم الله نبوده است. بالاخره امام خمینی با همراهی روحانیت و مراجع و همدلی و پشتیبانی اکثریت قریب به اتفاق ملت با شعار استقلال آزادی جمهوری اسلامی کشور را نجات دادند. هر روزی که تسلط اجانب را بر این کشور قطع کند یوم الله است، هر روزی که برای این ملت استقلال به ارمغان بیاورد یوم الله است هر روزی که اسلام را بر یک کشور حاکم کند یوم الله است. این مطلب قابل تردید نیست، گاهی تکرار جملات و شعارها ممکن است انسان را از حقیقت یک معنا و مفهوم غافل کند. تمام معیارهایی که برای یوم الله می‌توان ذکر کرد بر این واقعه و این ایام منطبق است. کشوری که جولانگاه اجانب بود و حاکمانش نوکران اجانب بودند، کشوری که مقدراتش را دیگران تعیین می‌کردند. کشوری که مردمش تحقیر شده بودند، کشوری که به احکام اسلام در آن بی‌اعتنایی می‌شد و هویت اسلامی و ایرانی مردمش را از بین برده بود روزی که از این مصائب خلاص شود، آن روز یوم الله است. سرمایه‌های ارزشمندی برای این کشور و ملت با پیروزی انقلاب اسلامی فراهم شد. تا ابد هم این ارزش نه کم می‌شود و نه قابل کتمان است. این که برخی می‌گویند با این همه گرفتاری‌ها و مسائل و مشکلات معیشتی چطور می‌توان گفت آن روز یوم الله بوده است؟ من با قاطعیت می‌گویم آن روز یوم الله بود و خواهد ماند، خدای نکرده یک وقت بعضی از مسائل باعث نشود انسان مسائل را کتمان کند بعضی می‌خواهند اصل انقلاب اسلامی را تخطئه کنند. این حقیقت اصلا قابل تخطئه نیست. انگیزه‌ها و آرمانها و اهدافی که ملت برای این انقلاب در نظر گرفته بودند آنقدر مقدس و مشروع بود و هست که هیچ چیزی نمی‌تواند مشروعیت را از آن انگیزه‌ها و آرمان‌ها و اهداف سلب کند.

امروز بعد از گذشت چهل و اندی سال از پیروزی انقلاب اسلامی با یک نگاه منصفانه و واقع بینانه می‌توان گفت هم موفقیت‌هایی داشتیم و هم شکست‌ها، هم پیروزی‌ها و هم ناکامی‌ها، هم نقاط قوت و هم نقاط ضعف، اینکه ما یکسره همه چیز را موفقیت بدانیم درست نیست، این یعنی خود فریبی، اینکه هیچ نقطه ضعفی را نبینیم این را نه عقل سلیم به آن حکم می‌کند و نه شرع این اجازه را به ما می‌دهد، اینکه یکسره همه چیز را هم شکست بدانیم بدون تردید این هم باطل است. ما باید با نگاهی به گذشته و ارزیابی آن و امید به آینده انقلاب را به پیش ببریم. اساسا پایه بیانیه گام دوم رهبر معظم انقلاب همین است. یک نگاهی به گذشته و قوت‌ها و ضعف‌ها دارد و یک طراحی برای آینده است. اسم گام دوم برای همین بود. در گام اول نقاط ضعف و قوت وجود داشت. اکنون ما باید نقاط ضعف را از بین ببریم و تبدیل به نقاط قوت کنیم و به سوی آینده ادامه مسیر بدهیم. گاهی ما در این ایام مواجه می‌شویم با بعضی از اظهارات و سخنان که چه بسا به خاطر مشکلات موجود می‌خواهند گذشته را نفی کنند و اصل انقلاب را زیرسوال

ببرند. این بی انصافی و به یک معنا نادیده انگاشتن واقعیات است و حتما با آموزه های دینی سازگار نیست. ما امروز نقاط قوت بسیاری داریم. اینها را باید دید و به آن توجه کرد، اقتدار کشور، تأثیر گذاری ایران در معادلات منطقه ای و بین المللی، امر ساده ای نیست. در عین حال مشکلاتی هم داریم، پیشرفتهای علمی در حوزه های مختلف، قابل انکار نیست، ولی واقعا معیشت مردم مشکل دارد بی کاری گرانی و مسائل اقتصادی، این را که همه شما لمس می کنید. همه می دانند در جامعه از این جهت چه فشاری روی مردم است. باید مسئولین برای این مسئله یک فکری کنند. این مردم در تمام سال های بعد از انقلاب در صحنه بودند. جان دادند، مال دادند، دفاع کردند، کوتاهی نکردند، هر جا نیاز بوده به میدان آمدند، در جنگ، در دفاع مقدس در دفاع از حرم در راه پیمایی ها در انتخابات در همه عرصه ها حضور پیدا کردند و واقعا هستی خودشان را در راه انقلاب فدا کردند. این مردم لایق بهترین ها و باید برای حل این مشکلات واقعا برنامه ریزی شود. حال بحث زیاد است اشکالات بسیار است بخشی از این اشکالات به مسائل جهانی و تحریم ها و فشارهایی بر می گردد که اجانب می آورند و یک بخشی نیز معلول ندانم کاری های خودمان و مشکلاتی است که خودمان به دست خودمان فراهم می کنیم.

تا می توانیم باید برای حل این مشکلات تلاش کنیم، باید رضایت مردم تحصیل شود، دفاع از مردم فقط شعار نباشد، عملا این اتفاق بیفتد، همه مسئولین واقعا باید این را به عنوان یک اصل در کارهای خودشان لحاظ کنند. گرامی داشت انقلاب هم به تبیین دست آوردها و هم واکاوی ضعف ها است. اگر این ضعف ها و اشکالات درمان نشوند می تواند مشکلات بیشتری را فراهم کند، هم باید امید داد و هم باید برحذر داشت، هم باید بشارت داد و هم انداز کرد. این دو اصل مهم در دعوت اولیا و پیامبران است. انداز و تبشیر فقط نسبت به آخرت نیست انداز و تبشیر نسبت به آثار وضعی اعمال در این دنیا نیز هست. این مطلبی است که انشاء الله باید مورد توجه قرار بگیرد.

توجه به این مطلب هم لازم است که راهپیمایی روز ۲۲ بهمن نماد دلبستگی و پیوند با انقلاب و آرمان های بلند آن است. همگان با هر فکر و سلیقه ای باید این وابستگی و پیوند را به تمام توان اظهار کنند. یاد شهدای انقلاب و شهدای دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم را نیز گرامی می داریم یاد امام راحل عزیز عظیم الشان را گرامی می داریم بزرگانی از حوزه و روحانیت که در این راه زحمت کشیدند از جمله شهید مطهری و شهید بهشتی و شهدایی از حوزه که در جبهه ها و در دفاع از حرم به شهادت رسیدند، شهید سلیمانی که سید الشهداء مقاومت بود و هنوز نام او و یاد او الهام بخش است، یاد همه اینها را گرامی می داریم و از خداوند متعال برای همه آنها علو درجات مسئلت می کنیم و امیدواریم آنهایی که در راه این انقلاب و حفظ آن زحمت کشیدند و تلاش کردند عند الله مأجور باشند. خداوند به همه ما توفیق عنایت کند که بتوانیم همیشه دفاع از اسلام و مکتب اهل بیت و این انقلاب و این کشور را در متن کارهای خودمان قرار دهیم، اخلاقمان را با یکدیگر مهربان تر کنیم و با حسن نظر و حسن نیت با هم مواجه شویم، اتحاد خودمان را حفظ کنیم دست در دست هم دهیم و برای رفع مشکلات کشور و نگرانی های مردم تلاش کنیم و انشاء الله دعا کنیم که پرچم این انقلاب به دست مبارک حضرت ولی عصر عجل الله تعالی و فرجه الشریف سپرده شود.

چندی دیگر نیز ایام انتخابات است که درباره آن نیز یک جمله عرض می کنم. هر کسی با هر سلیقه و دیدگاهی و نگاهی و با هر میزان از نارضایتی اگر مسائل را خوب تحلیل کند پی می برد که شرکت نکردن در انتخابات هیچ نتیجه ای ندارد این کاملا یک منطقی و عقلایی دارد. هیچ بهانه ای برای عدم حضور و عدم شرکت در انتخابات پذیرفته نیست. حتی اگر کسی نسبت به بعضی

از امور انتقاد هم داشته باشد. این عرصه نباید ضعیف شود، ضعیف شدن حضور مردم در عرصه انتخابات جرأت و طمع دشمنان را برای برخورد با این کشور بیشتر می‌کند بر مسئولین امر هم لازم است زمینه های برگزاری انتخابات پرشور را فراهم کنند و با سعه صدر امکان رقابت بین دیدگاهها و سلیقه های مختلف را مهیا نمایند. این یک تکلیف است این یک مسئولیت و یک حق است ما باید حق خودمان را به رسمیت بشناسیم و هم به مسئولیتمان و هم به تکلیفمان عمل کنیم و انشاء الله آنچه که خیر و صلاح است برای کشور پیش بیاید.

«والحمد لله رب العالمین»